فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و ششم. پاییز ۱۳۹۷، صص۱۲٤-۱۰۱ Vol 2. No 26. 2018, p 101-124
شماره شاپا (۲۵۳۸-٦۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

بررسی حمایت از بزه‌دیده، مطلع، شاهد و خانواده متهم در آیین دادرسی کیفری

سیما ترکیان*[1]. مسعود حیدری[2]
۱. گروه حقوق، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، خوراسگان، (اصفهان) ایران

چکیده
در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، بزه‌دیده فراتر از شاهد عمل می‌کند. امروزه حمایت از حقوق بزه‌دیده به طور مستقیم در ردیف حمایت از جامعه و متهم به عنوان یکی دیگر از اهداف اصلی آیین دادرسی کیفری مطرح می‌باشد. هدف از این پژوهش بررسی و تحلیل قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص حمایت از حقوق بزه‌دیده، شاهد، مطلع و خانواده متهم است. پس از بررسی‌های انجام شده در مورد حمایت‌های قانون‌گذار در مورد حقوق بزه‌دیده به این نتیجه رسیده که قانون آیین دادرسی کیفری برنامه‌های حمایتی از جمله: جبران خسارت مادی و معنوی بزه‌دیده، حمایت سازمان‌های مردم نهاد از بزه دیدگان خاص (زنان و کودکان)، حمایت از بزه‌دیده ناتوان، حمایت از بزه‌دیده محجور و فاقد سرپرست، حمایت از بزه‌دیده در مواقع امتناع سرپرست قانونی از طرح شکایت و یا در برابر تهدیدات، حمایت از بزه دیدگان که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی یا ناشنوا، جلوگیری از افشاء اطلاعات بزه دیدگان، ارائه خدمات و آگاهی بخشی به بزه دیدگان، ایجاد ضابطان خاص برای اطفال و زنان بزه‌دیده، ایجاد واحد مددکاری اجتماعی، تسهیل در اخذ شکایت را پیش بینی نموده است.

واژه‌های کلیدی: حمایت از بزه‌دیده، مطلع، شاهد، خانواده متهم.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

مقدمه

در گذشته وقتی جرم رخ می‌نمود از نظر شخص مرتکب و عمل مجرمانه بررسی می‌شد. این بررسی با ایرادات مختلفی که متوجه کارآیی و عملکرد آن‌ها بود که باعث شد جرم شناسان مکتب بزه‌دیده شناسی را مطرح کرده‌اند. در بزه‌دیده شناسی هدف جبران خسارت بزه‌دیده است. عدالت ترمیمی، جنبشی نوین در حوزه جرم شناسی است. از آنجا که جرم موجب جریحه دار شدن وجدان جامعه و اختلال در نظم اجتماعی می‌شود، دستگاه عدالت قضایی را بر آن می‌دارد تا آسیب‌های به وجود آمده را ترمیم کند و طرفین نیز مجاز به مشارکت در این فرآیند خواهند بود. بزه‌کاران و بزه‌دیدگان دو گروه از مشتریان مستمر نظام عدالت کیفری محسوب می‌شوند. در این میان توجه بیشتر به بزه‌دیدگان ضروری به نظر می‌آید چرا که تا به امروز بیشتر توجهات حقوق کیفری و جرم‌شناسی به بزه‌کار و مسائل مرتبط با آن معطوف بوده است.

قانون آیین دادرسی سابق در حمایت از حقوق بزه دیدگان، شاهد، مطلع و خانواده متهم توجه جدی نداشت اما قانون جدید تلاش کرده است بزه‌دیده را محور دادرسی قرار دهد. همچنین یکی از ویژگی‌های برجستهٔ آموزه‌ها و نظریه‌های علوم جنایی در چند دههٔ گذشته، افزایش توجه به جایگاه بزه دیدگان در دادگری جنایی بوده است. این نگرش نه تنها به دگرگونی اندیشه‌ها از رویکردی فلسفی، حقوقی، به رهیافت اجتماعی و جرم شناسی باز می‌گردد، بلکه با این واقعیت پیوند می‌خورد که اگر حقوق جنایی به نقش و جایگاه بزه دیدگان، شاهد و مطلعان و خانواده‌های متهمان توجه نکند، نمی‌تواند نقش خود را به خوبی ایفاء کند و کارایی لازم را در مبارزه با جرم داشته باشد. از نیمهٔ سدهٔ بیستم به این سو، «سیاست جنایی»، به منزلهٔ نقطهٔ تلاقی آموزه‌های حقوق جنایی و نظریهٔ جرم شناختی، با در نظر گرفتن حقوق بزه دیدگان، در چارچوب فرآیند دادگری جنایی، همواره در هدف پیش‌گیری از جرم سهم داشته است.

بزه‌دیده شناسی نیز بر پایهٔ یک رهیافت نوآورانه، که می‌توان از آن به «بزه‌دیده شناسی حمایتی» یاد کرد، این هدف را می‌توان در پیش‌گیری از بزه دیدگی، بزه‌دیده سازی جست و جو کند. حمایت از بزه‌دیده در وهلهٔ نخست، در گرو شناسایی بزه‌دیده و سپس، پیش‌بینی حقوقی مشخص برای او در چارچوب یک الگوی حمایتی چندگانه است که دولت باید آن را به منزلهٔ یکی از جنبه‌های سیاست اجتماعی، در جهت گیریهای قانون گذارانهٔ قضائی و اجرایی خود بگنجاند. بزه‌دیده شناسی حمایتی در راستای تحقق بخشیدن به همهٔ ابعاد اندیشه محوری خود، که همانا معطوف کردن توجه عدالت کیفری به حقوق و نیازهای بزه دیدگان است، گسترهٔ چتر حمایتی خود را تا حد امکان از رهگذر تخصصی کردن سازوکارهای جبرانی و حمایتی، بر همه اقشار آسیب پذیر جامعه که بزه‌دیده شده‌اند یا در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارند، گسترش می‌دهد. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نسبت به قانون آیین دادرسی کیفری سابق در مکانیسم حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع و خانواده متهم شاهد نوآوری‌ها و نکات مثبتی هستیم که با بررسی همه جانبه به بیان آن می‌پردازیم.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

پیشنه و سوابق تحقیق

در رابطه با حمایت از بزه‌دیده، مطلع، شاهد و خانواده متهم در آیین دادرسی کیفری تحقیقات گوناگونی صورت گرفته است اما هنوز هم در رابطه با این موضوع محتاج تحقیقات منسجم‌تری نیز هستیم. قانون آیین دادرسی کیفری، از مهم‌ترین قوانین پایه‌ای و اساسی هر کشور بوده که بخش مهمی از نظم عمومی کیفری و عدالت کیفری از طریق این قانون اجرا می‌شود. مقررات نظام دادرسی و سازمان قضایی و آیین دادرسی کیفری در ایران، طی سه دهه گذشته، چندین بار دچار تغییرات و دگرگونی کلی شده است. تغییرات مزبور، علاوه برسازماندهی نظام دادرسی کیفری، خود موجب بروز بی نظمی و نابه هنجاری‌های متعددی در سیستم قضایی و وضعیت حقوق شهروندی شده است.

قانون جدید با وجود برخی از اشکالات و ایرادات مرتبط آن، برخوردار از جنبه‌ها و نکات مُثبت بسیاری درخصوص رعایت حقوق شهروندی، حقوق متهم، حق دفاع، وکیل مدافع، روند دادرسی، تضمیناتِ تحققِ دادرسی عادلانه و منصفانه است و اگر دچار تغییرات کلی و جدی نشود و با تدوین آئین نامه‌های اجرایی مقرر درآن، با استفاده از تجارب حرفه‌ای کارشناسان، قضات و وکلای دادگستری، می‌تواند در تضمین حقوق شهروندی و اساسی مردم می‌تواند، مؤثر و نقش آفرین گردد.

قانون آئین دادرسی کیفری جدید با تغییرات عددی، شکلی و ماهوی گسترده در قانون آئین رسیدگی کیفری و نحوهٔ تعقیب متهم، نوعاً گرایش بر اعمال " اصل تفسیر مُضیّق به نفع متهم"، رعایت اصول و هنجارهای حقوق شهروندی و بشری و تلاش برای تحقق نظام دادرسی عادلانه نسبت به شاکی، متهم، بزه‌دیده، شاهد، مطلع، وکیل و مانند آنها در فرآیند رسیدگی کیفری دارد. (زمانی در مزاری، ۱۳۹۳).

امروزه سازمانهای مردم نهاد به عنوان نمایندگان جامعه در پیشبرد مسائل فرهنگی و اجتماعی جایگاه خطیر و اساسی دارند. سازمان مردم نهاد «سمنها»، مستقل از دولت بوده است و در عین غیرانتفاعی بودن در خدمت مردم هستند به همین دلیل صدای مردم نامیده میشود. سمنها، نهاد و واسط مردم هستند و مشارکت نیز یکی از بازوهای اصلی ارتقای سلامت و کاهش فقر و بی عدالتی در سطح جامعه است. بی تردید در جامعه‌ای که دین رکن اصلی تشکیل حکومت باشد، قریب به اتفاق نهادها و سازوکارهای قانونی را میتوان در چهارچوب فقهی تبیین کرد. سازمان‌های مردم نهاد نیز با توجه به ویژگیهای خود که متشکل از مردم متعهد به انجام امور و مصالح جمعی با هدف حمایت از اقشار خاص و منافع همگانی‌اند، سابقه‌ای در اصول و قواعد دینی و فقهی ما خواهند داشت؛ زیرا دین مبین اسلام همواره بر حضور مردم در جامعه، تعاون و مشارکت آنان در امور مختلف و ولایت همگانی امت اسلامی تاکید دارد (زراعت و شیخی جوکندان، ۱۳۹۲، ص ۱۷).

مداخلهٔ سازمان مردم نهاد در جریان دادرسی کیفری، اعطای نقش به ایشان در این حوزه و بهرهمندی از مشارکت نهادهای مدنی در حمایت از مواضعی که در آن منافع و مصالح عمومی نهفته است، به حکم عقل و بنای عقلا نیز پذیرفته شده است و به تبع آن مطابق قاعدهٔ «کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع و کل

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

حکم به الشرع، حکم به العقل. . . . . » مبنای شرعی نیز خواهد داشت؛ زیرا جرم پدیده عمومی است و مقابله آن نیازمند استفاده از تمامی ظرفیتهای اجتماعی می‌باشد.

به نظر میرسد میتوان ردپای سازمان مردم نهاد را در نهاد «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان یکی از اصول اساسی تشکیل حکومت اسلامی یافت و مشارکت و فعالیت آنها را با قاعدهٔ فقهی «ولایت عدول مؤمنان» توجیه کرد (زراعت و شیخی جوکندان، ۱۳۹۲، ص ۱۸).

در این قانون، در مکانیسم حمایت از بزه‌دیده، شاهد نو آوری و نکات مثبتی هستیم زیرا برابر ماده ۹۷ قانون جدید «بازپرس به منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند». مراتب مزبور نیز از زمرهٔ نوآوری‌های قانون جدید است.

علاوه براین، برابر ماده ۱۰۱ این قانون «بازپرس مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده، از قبیل نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر، تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه‌دیده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص رئیس دادگاه و با رعایت مصالح بزه‌دیده اعمال می‌شود». با وجود مراتب مزبور، در این ماده مشخص نشده است در نبود بازپرس، مسئولیت انجام این مهم با کیست و یا آیا این موضوع به مراجع دیگر قضایی مانند دادگاه تجدید نظر، دیوان عالی کشور و مانند آنها نیز تسری خواهد داشت یا خیر؟

در قانون سابق، در فصل پنجم آن قانون، با عنوان " شاهد، شهادت، جرح و تعدیل شهود"، احضار شهود و مطلعین و تحقیق از آنها در زمرهٔ صلاحیت‌های قانونی مقرر برای قاضی یا دادگاه اعلام شده بود، اما در قانون جدید بعنوان مبحث دوم فصل ششم و در زمرهٔ وظایف بازپرس، علاوه بر دادگاه در بخش مربوطه تعریف شده است و اضافه بر ترتیبات قانونی مقرر دراین باره در ماده ۲۰۴ قانون جدید، به تجویز تبصره ۲ ذیل آن، " در صورتی که دلیل پرونده منحصر به شهادت شهود و مطلعان نباشد، تحقیق از آنان می‌تواند به صورت الکترونیکی و با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی به عمل آید". همچنین، به موجب ماده ۲۱۳ قانون مزبور، " تفهیم اتهام به کسی که به عنوان متهم احضار نشده، از قبیل شاهد یا مطلع ممنوع است و چنانچه، این شخص پس از تحقیق در مظان اتهام قرار گیرد، باید طبق مقررات و به عنوان متهم برای وقت دیگر احضار شود". بعلاوه، تکلیف بازپرس به اتخاذ تدابیر حمایتی لازم از شهود و مطلعین و خانواده‌های آنها به طرق مقتضی، به ترتیب مقرر در ماده ۲۱۴ این قانون، از دیگر موارد قابل ذکر در این باره است.

پلیس ویژه اطفال در قانون فعلی ما تحقیق از اطفال را بر عهده مقام قضایی نهاده است، اما عملابه دلیل مشغله فراوان مقامات قضایی، ناگزیر تحقیقات درباره اطفال به ضابطین ارجاع می‌شود. قانون آیین دادرسی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

کیفری در ماده ۳۱ با در نظر گرفتن این ضرورت عملی، نهادی را پیش بینی کرده است که وظیفه تحقیق و بازجویی از اطفال را به عهده بگیرند. ضابطین ویژه بانوان یکی دیگر از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری جدید است که در ماده ۴۲ پیش بینی ضابطین ویژه بانوان را، جهت بازجویی و تحقیقات از متهمان زن بیان نموده است. اگرچه برخی انتقاد می‌کنند که عدم وجود امکانات لازم و کمبود تعداد ضابطین زن اجرای مقرره فوق را به صعوبت برگزار می‌کند ولی قانونگذار نیز واقعیت‌های موجود را در نظر گرفته و در همان ماده قسمت پایانی مقرر می‌دارد: «و در صورت عدم امکان پرونده زنان برای تحقیقات و بازجویی نزد بازپرس و پرونده افرادی که سن آنان ۱۵ سال یا کمتر از آن است نزد دادگاه اطفال یا قائم مقام آن ارسال می‌شود. (پور حسینی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۶).

انجام تمهیدات لازم برای حفظ اسرار اشخاصی یکی دیگر از حمایت‌های قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۴۰ است که اعلام می‌دارد: «افشاء اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است. » و مطابق ماده ۵۶ قانون مذکور «ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیر مرتبط با موضوع خودداری می‌کنند (سلیمی و بخشی زاده، ۱۳۹۳).

روش تحقیق

در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای با استفاده از کتب، مجلات، مقالات و نوشتارها، سایت‌های حقوقی است، که با جمع آوری مطالب به بررسی دقیق آن‌ها می‌پردازیم. با توجه به تغییرات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و توجه قانونگذار به حقوق بزه‌دیده، شاهد، مطلع و خانواده متهم و همچنین عدم وجود پژوهش مستقل و جامع در این زمینه این ضرورت و اهمیت را پیدا نمود که به بررسی این موضوع بپردازیم و ما در این پژوهش بر آن هستیم تا بصورت جامع و کامل به بررسی و تبیین حقوق بزه‌دیده، شاهد، مطلع و خانواده متهم بپردازیم. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی حقوق افراد مذکور در مرحله تعقیب جرم و تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است که با استفاده از تحولات ایجاد شده به چه شاخص‌های برتری از قانون قدیم برای حمایت بیشتر حقوق افراد مذکور قائل شده است.

بررسی حمایت از بزه‌دیده در فرآیند دادرسی

در این بخش به تحلیل یکی از مهمترین مباحث موجود در این پژوهش، بررسی حمایت از بزه‌دیده در فرآیند دادرسی در قانون آیین دادرسی کیفری می‌پردازیم. ابتدا با نگاه کلی به بیان حقوق بزه‌دیده در

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

تحقیقات مقدماتی پرداختیه ایم و در ادامه به تحلیل برنامه‌های حمایتی در مورد بزه‌دیده به ذکر مباحثی در این خصوص پرداخته‌ایم.

حقوق بزه‌دیده در تحقیقات مقدماتی

ماده ۱ اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت، بزه‌دیده را این گونه معرفی می‌نماید: بزه دیدگان اشخاصی‌اند که در پی فعلها یا ترک فعلهای ناقض قوانین کیفری دولتهای عضو از جمله قوانینی که سوء استفاده مجرمانه از قدرت را ممنوع کرده‌اند، به شکل فردی یا گروهی به آسیب – از جمله آسیب بدنی، روانی، رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود – دچار شده‌اند. بزه دیدگان در بدو ورود به فرآیند پیچیده عدالت کیفری، با سرگردانی و ابهام رو به رو هستند. در اکثر موارد بزه دیدگان از چگونگی روند پرونده و یا حقوق خود در پروسه رسیدگی، آگاهی ندارند؛ بنابراین، این وظیفه بر عهده نهاد عدالت قضایی است که بزه دیدگان را از روند پرونده و حقوقشان در فرآیند رسیدگی، مطلع کند. همانطور که ملاحظه می‌شود این حق یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین حقوق بزه‌دیده می‌تواند محسوب شود؛ چرا که در صورت عدم اطلاع و آگاهی وی از حقوقش و همچنین تغییرات موجود در پرونده، نمی‌تواند به موقع و به جا از حقوق خود دفاع و مسیر احقاق حق را به درستی طی کند و در نتیجه بزه دیدگی وی تشدید یا تکرار خواهد شد و سرگردانی و دغدغه و نگرانی وی فزونی خواهد گرفت. علاوه بر حق اطلاع رسانی به بزه‌دیده، از دیگر حقوق مهمی که در مرحله تحقیقات مقدماتی، باید برای بزه دیدگان درنظر گرفته شود، اتخاذ تدابیری به منظور تأمین خسارات بزه دیدگان، در همان بدو ورود به سیستم قضایی است. چرا که ممکن است مرتکب بعد از ورود به فرآیند رسیدگی، اموال خود را منتقل کند و خسارات بزه‌دیده جبران نشده باقی بماند و یا اینکه وی مجبور باشد راهی طولانی و پیچیده‌تر از قبل را برای ترمیم خساراتش طی کند که این هم باز منجر به تشدید بزه دیدگی وی خواهد شد. خوشبختانه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون گذار به این دو حق محوری و تاثیرگذار بزه‌دیده توجه خاصی مبذول داشته است (امینی، ۱۳۹۴، ص ۱).

پس از ارتکاب جرم، بزهکار یا نزدیکان او، تمامی تلاش خود را به کار می‌برند تا از هر راه مشروع و نامشروعی، بزه‌دیده را از توسل به دستگاه قضایی منع کنند یا وی را از ادامه مسیر احقاق حق منصرف کنند. این کشمکش میان بزهکار و بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدمادتی نمود بیشتری دارد؛ چه بسا بزه‌دیده در اثر این فشارها و تهدیدها و وجود خوف جانی و عدم امنیت روانی، از دادخواهی منصرف شده یا در صورت طرح شکایت، از پیگیری آن در جهت احقاق حق خود چشم پوشی کند. به این منظور بزه دیدگان شایسته بهره مندی از حقوقی در فرآیند دادرسی کیفری به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌باشند؛ تا بتوانند در جهت دسترسی به عدالت و جبران آسیب‌ها یا زیاندیدگی های خود اقدام کنند و از تشدید و تکرار بزه دیدگی آنها جلوگیری به عمل آید (عزیزالهی وامینی، ۱۳۹۴، ص ۱).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

از مهمترین این حقوق در جهت حمایت از بزه‌دیده، که سایر حقوق وی را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد، لزوم تأمین امنیت جسمانی – روانی بزه دیدگان است؛ به منظور تأمین هر چه بیشتر امنیت بزه دیدگان، از بدو ورود آنها به سیستم عدالت کیفری، باید مجموعه‌ای از عوامل و نهادها از جمله قوای تقنینی و قوای اجرایی دخیل در مرحله تحقیقات مقدماتی از جمله دادستان، بازپرس و ضابطان همکاری داشته باشند؛ که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به درستی وظایفی را برای این دسته از افراد به منظور تأمین امنیت بزه دیدگان تعیین کرده است. قانون فوق الذکر مقررات مترقی را در جهت تأمین امنیت بزه دیدگان نسبت به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ وضع کرده است؛ اما با مطالعه اسناد بین المللی و قوانین سایر کشورها، نیاز به حمایتهای بیشتر، برای رسیدن به وضعیت مطلوب، احساس می‌شود. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای تأمین امنیت بزه دیدگان به راههایی از جمله بازداشت موقت متهم و یا جلوگیری از افشای هویت بزه‌دیده و. . . متوسل شده است که در صورت منتج شدن این راهها به تأمین امنیت بزه دیدگان، آن‌ها می‌توانند با خیالی آسوده و بدون نگرانی از اقدامات تلافی جویانه مرتکب، در مسیر احقاق حق گام برداشته و به جبران و ترمیم آثار بزه دیدگی خود نائل آیند و در نهایت از بزه دیدگی مشدد یا مکرر آنها جلوگیری به عمل آید (عزیزالهی وامینی، ۱۳۹۴، ص ۱).

با آنکه تحقیقات مقدماتی در کشور ما به صورت تفتیشی (غیر علنی، سری، غیر ترافعی و کتبی) است، با این همه، برای شاکی این حق شناخته شده که علاوه بر معرفی شهود و دلایل و مدارک که مثبت ادعای او باشد از آن قسمت از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی که منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد، پس از پرداخت هزینه، رونوشت اخذ کند. تشخیص محرمانه بودن به مقام قضایی واگذار شده است (آشوری، ۱۳۹۴، ص ۱۵۸).

در نگاه سنتی همواره هدف از مقرارت آیین دادرسی کیفری تأمین حقوق جامعه یعنی ایجاد امنیت و آرامش از رهگذر برخورد صحیح و قاطع با مجرمین همچنین رعایت حقوق دفاعی متهم مطرح شده است (آخوندی، ۱۳۸۸).

اما امروزه به نظر می‌رسد حمایت از حقوق بزه‌دیده به طور مستقیم در ردیف حمایت از جامعه و متهم به عنوان یکی دیگر از اهداف اصلی آیین دادرسی کیفری مطرح باشد. بر همین اساس در ماده (۱) قانون آیین دادرسی کیفری، رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه در کنار هم مطرح شده‌اند. علاوه بر این تعریف بزه‌دیده در کنار شاکی و مدعی الخصوصی گام دیگری است که در قانون مزبور برداشته شده است. تعریف بزه‌دیده به عنوان زیان دیدهٔ مستقیم جرم برای نخستین بار در نظام دادرسی کشورمان به شرح ماده (۱۰) این گونه بیان شده است که «بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود. (طهماسبی، ۱۳۹۴، ج ۲، صص ۵۳-۵۲).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

با توجه به مباحث عنوان شده می‌توان این چنین بیان نمود که امروزه حمایت از حقوق بزه‌دیده به طور مستقیم در ردیف حمایت از جامعه و متهم به عنوان یکی دیگر از اهداف اصلی آیین دادرسی کیفری مطرح می‌باشد و در اکثر موارد بزه دیدگان از چگونگی روند پرونده و یا حقوق خود در پروسه رسیدگی، آگاهی ندارند؛ بنابراین، این وظیفه بر عهده نهاد عدالت قضایی است که بزه دیدگان را از روند پرونده و حقوقشان در فرآیند رسیدگی، مطلع کند.

جبران خسارت مادی و معنوی

بزه‌دیده یکی از ارکان مهم پدیده مجرمانه است که متاسفانه تاکنون درپژوهشهای جرم شناسی و سیاست جنایی جوامع موقعیت واقعی و تعیین کننده خود را نیافته است صاحب نظران مسائل حقوق جزا و جرم شناسی بیشترین تلاش خود را برعناصری چون جرم مجرم و مجازات متمرکز نموده‌اند درنتیجه قربانی جرم که اغلب دروقوع جرم نقش موثری ایفا می‌کند ازنظر دورمانده است با ظهور بزه دیده شناسی دردهه های اخیر گامهای موثری به منظور مطالعه علمی بزه دیدگان و شناسایی ویژگی و عملکرد آنان درارتکاب جرم برداشته شده و به سبب تأثیر گذاری انگیزه‌ها یا خلاقی و مذهبی چشم انداز جدیدی تحت عنوان حمایت ازبزه‌دیده فراروی بزه‌دیده شناسان قرارگرفته است (زکوی، ۱۳۹۴، ص ۱).

به موجب مقررات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، همانند قوانین سابق متضرر از جرم که قبلاً شکایت کیفری طرح کرده است، می‌تواند به تبع آن ضرر و زیان خود را مطالبه کند. آنچه مقررات این قانون را نسبت به قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ متمایز می‌کند و گامی است برای احقاق حق بزه‌دیده، تصریح به امکان پرداخت ضرر و زیان معنوی و تعریف این ضرر و زیان در تبصره ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد. نکتهٔ دیگری که در راستای توجه به حقوق بزه‌دیده جهت مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم قابل ذکر است و مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی است، ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری است که بیان داشته است: ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شاکی در مورد ضرر و زیان وارده را در گزارش خود به مراجع قضایی ذکر کنند. این گزارش علاوه بر این که در صورت طرح دادخواست ضرر و زیان می‌تواند در مراحل بعدی به اثبات ادعای متضرر کمک کند، در تصمیم گیری‌های قضایی مثل صدور قرار تأمین که میزان آن باید با آثار زیان بار جرم و مبلغ ضرر و زیان وارده به بزه‌دیده متناسب باشد مؤثر است (طهماسبی، ۱۳۹۴، ج ۲، صص ۵۴-۵۳).

با توجه به مباحث عنوان شده می‌توان بیان نمود که بزه‌دیده یکی از ارکان مهم پدیده مجرمانه است که متاسفانه تاکنون درپژوهشهای جرم شناسی و سیاست جنایی جوامع موقعیت واقعی و تعیین کننده خود را نیافته است صاحب نظران مسائل حقوق جزا و جرم شناسی بیشترین تلاش خود را برعناصری چون جرم مجرم و مجازات متمرکز نموده‌اند درنتیجه قربانی جرم که اغلب دروقوع جرم نقش موثری ایفا می‌کند ازنظر دورمانده است با ظهور بزه دیده شناسی دردهه های اخیر گامهای موثری به منظور مطالعه علمی بزه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

دیدگان و شناسایی ویژگی و عملکرد آنان درارتکاب برداشته شده است. برای احقاق حق بزه‌دیده، تصریح به امکان پرداخت ضرر و زیان معنوی و تعریف این ضرر و زیان در تبصره ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد. نکتهٔ دیگری که در راستای توجه به حقوق بزه‌دیده جهت مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم قابل ذکر است و مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی است، ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری است که بیان داشته است: ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شاکی در مورد ضرر و زیان وارده را در گزارش خود به مراجع قضایی ذکر کنند.

سازو کارهای ارفاقی

در تمام مواردی که به موجب نهادهای حقوق کیفری، ارفاقی برای متهم در نظر گرفته شده است، شرط اجرای مقررات آن احیاء حقوق بزه‌دیده است. به طور مثال در مورد قرار ترک تعقیب در ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار بایگانی کردن پرونده ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار تعلیق تعقیب ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار ارجاع به میانجیگری و اعطاء مهلت به متهم ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری، تخفیف پس از صدور حکم قطعی ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری، حکم به معافیت از کیفر ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی، آزادی مشروط ماده ۸۵ و نظام نیمه آزادی ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی، تعویق صدور حکم ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی. . . از جمله نهادهای قضایی کیفری محسوب می‌شوند که تا شاکی خصوصی اعلام گذشت نکرده یا وضعیت جبران خسارت وارده به وی مشخص نشده باشد، امکان اعمال آن‌ها در مورد متهم وجود ندارد.

حمایت سازمان‌های مردم نهاد از بزه دیدگان خاص

امروزه سازمان‌های مردم نهاد به عنوان نمایندگان جامعه در پیش‌برد مسائل فرهنگی و اجتماعی جایگاه خطیر و اساسی دارند. سازمان مردم نهاد «سمن‌ها»، مستقل از دولت بوده است و در عین غیرانتفاعی بودن در خدمت مردم هستند به همین دلیل صدای مردم نامیده می‌شود. سمن‌ها، نهاد و واسط مردم هستند و مشارکت نیز یکی از بازوهای اصلی ارتقای سلامت و کاهش فقر و بی عدالتی در سطح جامعه است. بی‌تردید در جامعه‌ای که دین رکن اصلی تشکیل حکومت باشد، قریب به اتفاق نهادها و سازوکارهای قانونی را می‌توان در چهارچوب فقهی تبیین کرد. سازمان‌های مردم نهاد نیز با توجه به ویژگی‌های خود که متشکل از مردم متعهد به انجام امور و مصالح جمعی با هدف حمایت از اقشار خاص و منافع همگانی‌اند، سابقه‌ای در اصول و قواعد دینی و فقهی ما خواهند داشت؛ زیرا دین مبین اسلام همواره بر حضور مردم در جامعه، تعاون و مشارکت آنان در امور مختلف و ولایت همگانی امت اسلامی تاکید دارد. مداخلهٔ سمن‌ها در جریان دادرسی کیفری، اعطای نقش به ایشان در این حوزه و بهرهمندی از مشارکت نهادهای مدنی در حمایت از مواضعی که در آن منافع و مصالح عمومی نهفته است، به حکم عقل و بنای عقلا نیز پذیرفته شده

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

است و به تبع آن مطابق قاعدهٔ «کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع و کل حکم به الشرع، حکم به العقل. . . . . » مبنای شرعی نیز خواهد داشت؛ زیرا جرم پدیده عمومی است و مقابله آن نیازمند استفاده از تمامی ظرفیت‌های اجتماعی می‌باشد. به نظر می‌رسد می‌توان ردپای سمن‌ها را در نهاد «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان یکی از اصول اساسی تشکیل حکومت اسلامی یافت و مشارکت و فعالیت آن‌ها را با قاعدهٔ فقهی «ولایت عدول مؤمنان» توجیه کرد (زراعت و شیخی جوکندان، ۱۳۹۲، ص ۸).

قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در مواد ۱-۲ تا ۲۱-۲ مقررات مفصلی برای حمایت از انجمن‌های کمک به بزه دیدگان مقرر داشته است؛ به موجب این مواد، در صورت وجود برخی شرایط، این انجمن‌ها می‌توانند نقش شاکی پیدا کرده و حتی اقامهٔ دعوا نمایند. در واقع، این انجمن‌ها می‌توانند برای وصول به اهداف نظام عدالت کیفری دادستان و بزه‌دیده را بسیار یاری رسانند. ماده ۱-۲۰ قانون. آیین دادرسی کیفری فرانسه مثبت همین حقوق می‌باشد که بیان می‌دارد: «هر انجمنی که به طور منظم بر اساس اساسنامه، موجودیت خود را حد اقل پنج سال در زمینه مبارزه باتبعیض نژادی و کمک به بزه دیدگان تبعیض به خاطر ملیت، قوم، نژاد یا مذهب اعلام کرده باشد می‌تواند حقوق شناخته شده برای مدعی خصوصی برای مجازات تبعیض نژادی مذکور در مواد ۲-۲۲۵ و ۷-۴۳۲ قانون جزا و مجازات تهیه و نگهداری اوراق و تصاویر مذکور درماده ۱۹-۲۲۶ همان قانون را اجرا نماید و در ارتباط با صدمات عمدی وارده به حیات و تمامیت جسمانی، تهدیدها، سرقت‌ها، اخاذی، تخریب و انهدامی که به خاطر ملیت، تعلق یا عدم تعلق واقعی یا فرضی به یک قوم، نژاد یا مذهب معین صورت می‌گیرد اقامه دعوا نماید با این وجود، زمانی که جرم ارتکابی فقط در مورد یک شخص واقع شده باشد، انجمن مزبور مکلف است موافقت شخص ذینفع را کسب کند و اگر بزه‌دیده، طفل است باید رضایت سرپرست و یا نماینده قانونی او را به دست آورد» (تدین، ۱۳۸۹، ص ۳).

پیش از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ هیچ صحبتی از حضور و مداخلهٔ سازمان‌های مردم نهاد نشده بود. بنابراین یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در خصوص توجه به حقوق بزه‌دیده، محقق ساختن آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی و مشارکت سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد در تعقیب مجرمین است. بر این اساس در ماده ۶۶ و تبصره آن در قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آن دربارهٔ حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌تواند نسبت به جرائم ارتکابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آراء مراجع قضائی و اعتراض نمایند». تبصره ۱ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی یا سرپرست قانونی او اخذ

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

می‌شود. اگر ولی یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند».

با توجه به ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مشارکت سازمان‌های مردم نهاد را به برخی از جرائم خاص یا فاقد بزه‌دیده و بزه دیدگانی که ناتوانند، محدود کرده‌اند. البته در مواردی که جرائم دارای بزه دیدگان خاص هستند تحصیل رضایت آن‌ها برای مشارکت سازمان‌های مردم نهاد ضروری است. بنابراین، وضع ماده ۶۶ ق. آ. د. ک اقدامی مثبت در راستای تقویت نقش سازمان‌های غیردولتی و مردمی در فرآیند کیفری کمک به بزه‌دیده که شرایط خاص برای ادامه و پی‌گیری جرم را ندارد است. در واقع می‌توان گفت رویکرد مشارکتی سازمان‌های مردم نهاد متأثر از بزه‌دیده شناسی حمایتی است زیرا بزه‌دیده را مستحق حمایت می‌داند بدون آنکه به نقش و تقصیر بزه‌دیده در پدید آمدن جرم توجه کند (زراعت و شیخی جوکندان، ۱۳۹۲، ص ۱۰).

در این خصوص ماده ۳ قانون حمایت از معلولان مقرر می‌دارد: «سازمان بهزیستی کشور موظف است در چارچوب اعتبارات مصوب در قوانین بودجه سالانه اقدامات ذیل را به عمل آورد:

الف- تأمین خدمات توانبخشی، حمایتی، آموزشی و حرفه آموزی موردنیاز معلولان با مشارکت خانواده‌های معلولان و همکاری بخش غیردولتی (خصوصی، تعاونی، خیریه) و پرداخت یارانه (کمک هزینه) به مراکز غیردولتی و خانواده‌ها.

ب- گسترش مراکز خاص نگهداری، آموزشی و توانبخشی معلولان واجد شرایط (معلولان نیازمند، معلولان بی سرپرست، معلولان مجهول الهویه، معلولان با ناهنجاریهای رفتاری) با همکاری بخش غیردولتی و پرداخت تسهیلات اعتباری و یارانه (کمک هزینه) به آن‌ها.

ج- تأمین و تحویل وسایل کمک توانبخشی موردنیاز افراد معلول.

د- گسترش کارگاه‌های آموزشی، حمایتی و تولیدی معلولان و ارائه خدمات توانبخشی حرفه‌ای به معلولان جهت توانمندسازی آنان».

بنابراین با توجه به مطالب عنوان شده می‌توان این چنین نتیجه گرفت امروزه سازمان‌های مردم نهاد به عنوان نمایندگان جامعه در پیش‌برد مسائل فرهنگی و اجتماعی جایگاه خطیر و اساسی دارند. سازمان مردم نهاد «سمن‌ها»، مستقل از دولت بوده است و در عین غیرانتفاعی بودن در خدمت مردم هستند به همین دلیل صدای مردم نامیده می‌شود. سمن‌ها، نهاد و واسط مردم هستند و مشارکت نیز یکی از بازوهای اصلی ارتقای سلامت و کاهش فقر و بی عدالتی در سطح جامعه است. بی‌تردید در جامعه‌ای که دین رکن اصلی تشکیل حکومت باشد، قریب به اتفاق نهادها و سازوکارهای قانونی را می‌توان در چهارچوب فقهی تبیین کرد. سازمان‌های مردم نهاد نیز با توجه به ویژگی‌های خود که متشکل از مردم متعهد به انجام امور و مصالح جمعی با هدف حمایت از اقشار خاص و منافع همگانی‌اند، سابقه‌ای در اصول و قواعد دینی و فقهی ما خواهند داشت؛ زیرا دین مبین اسلام همواره بر حضور مردم در جامعه، تعاون و مشارکت آنان در امور

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

مختلف و ولایت همگانی امت اسلامی تاکید دارد. با توجه به ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مشارکت سازمان‌های مردم نهاد را به برخی از جرائم خاص یا فاقد بزه‌دیده و بزه دیدگانی که ناتوانند، محدود کرده‌اند. البته در مواردی که جرائم دارای بزه دیدگان خاص هستند تحصیل رضایت آن‌ها برای مشارکت سازمان‌های مردم نهاد ضروری است. بنابراین، وضع ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اقدامی مثبت در راستای تقویت نقش سازمان‌های غیردولتی و مردمی در فرآیند کیفری کمک به بزه‌دیده که شرایط خاص برای ادامه و پی‌گیری جرم را ندارد است.

جلوگیری از افشاء اطلاعات بزه‌دیده

در ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص جلوگیری از افشاء اطلاعات بزه‌دیده مقرر می‌نماید که: افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط به پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است.

این ممنوعیت شامل افشای اطلاعات مربوط به متهم به عنوان یکی از اشخاص مرتبط با پرونده نیز می‌شود. با این حال قانون موارد خلاف آن را به روشنی تعیین نکرده است و بهتر بود که علاوه بر تعیین قانون، تجویز بازپرس نیز به متن ماده فوق اضافه می‌شد. ممنوعیت مذکور در این ماده، جنبه حمایتی داشته و تخلف از آن ممول ضمانت اجرای سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی به شرح مندرج در ماده ۶۳ خواهد بود. بنابراین چنین موردی، مصداقی خاص از جرمی عام (افشای اسرار حرفه‌ای، ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی ۷۵) بوده و مورد از موارد تعدد معنوی نیست (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۵۹).

انجام تمهیدات لازم برای حفظ اسرار اشخاص: قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۴۰ اعلام می‌دارد: «افشاء اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است. » و مطابق ماده ۵۶ قانون مذکور «ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیر مرتبط با موضوع خودداری می‌کنند. (پور حسینی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۳).

با توجه به مطالب عنوان شده افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط به پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است. این ممنوعیت شامل افشای اطلاعات مربوط به متهم به عنوان یکی از اشخاص مرتبط با پرونده نیز می‌شود. با این حال قانون موارد خلاف آن را به روشنی تعیین نکرده است و بهتر بود که علاوه بر تعیین قانون، تجویز بازپرس نیز به متن ماده فوق اضافه می‌شد. ممنوعیت مذکور در این ماده، جنبه حمایتی داشته و تخلف از آن ممول ضمانت اجرای سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی به شرح مندرج در ماده ۶۳ خواهد بود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

ارائه خدمات به بزه‌دیده

در بند الف ماده ۸۱ در خصوص ارائه خدمات به بزه‌دیده مقرر می‌نماید که: در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته باشد، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن را در مدت مشخصی داده شود و متهم نز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد. دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین مناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورهای زیر می‌کند: الف- ارائه خدمات به بزه‌دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه‌دیده (قانون یار، ۱۳۹۵، ص).

به موجب بند الف ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری ارائه خدمات به بزه‌دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی و معنوی ناشیاز جرم با رضایت بزه‌دیده، یکی از دستوراتی است که مقام قضایی هنگام صدور قرار تعلیق تعقیب می‌تواند متهم را به اجرای آن الزام کند. مفاد دستور باید از جمله اعمالی باشد که به طور مستقیم برای کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی جرم مؤثر و متناسب با جرم ارتکابی باشد. همچنین باید اجرای آن در توان متهم باشد. با توجه به اینکه در قانون ضابطه مشخصی برای این نوع دستورها تعیین نشده است. توجه مقام قضایی به متعارف و متناسب بودن مفاد دستور از اهمیت خاصی برخوردار است. برای مثال اگر بزه‌دیده به علت عمد یا تقصیر متهم دچار صدمه جسمی شده باشد، دستور مقام قضایی می‌تواند شامل یاری رساندن متهم به امور درمانی بزه‌دیده از قبیل ایاب ذهاب او به مراکز درمانی باشد (طهماسبی، ۱۳۹۴، ص ۵۶).

با توجه به مطالب عنوان شده می‌توان بیان نمود که در بند الف ماده ۸۱ در خصوص ارائه خدمات به بزه‌دیده مقرر می‌نماید که در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته باشد، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن را در مدت مشخصی داده شود و متهم نز فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد. دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین مناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را، در خصوص ارائه خدمات به بزه‌دیده به اجرای ارائه خدمات به بزه‌دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه‌دیده مکلف می‌کند. به طور مثال اگر بزه‌دیده به علت عمد یا تقصیر متهم دچار صدمه جسمی شده باشد، دستور مقام قضایی می‌تواند شامل یاری رساندن متهم به امور درمانی بزه‌دیده از قبیل ایاب ذهاب او به مراکز درمانی باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

بررسی حمایت از شاهد، مطلع و خانواده متهم

در این بخش ابتدا به بیان جایگاه شهادت در دادرسی کیفری و مبانی و ضرورت حمایت از شهود ومطلعان در قانون می‌پردازیم و پس از آن به تحلیل برنامه‌های حمایتی که در قانون آیین دادرسی کیفری در مورد شاهد، مطلع و خانواده متهم مقرر شده می‌پردازیم.

جایگاه شهادت در دادرسی کیفری

شهادت در اثبات مدنی و کیفری، گاهی به عنوان دلیل شرعی شناخته می‌شود. گاهی اماره قضایی است یعنی تشخیص ارزش و تأثیر آن بر عهدهٔ قاضی می‌باشد در حالت نخست قاضی می‌تواند شهادت را به عنوان دلیل مستقل، مورد استناد قرار داده و حکم بدهد اما در حال دوم، فقط در تمکین سایر ادله، مورد استناد قرار می‌گیرد شهادت به عنوان دلیل شرعی، احکام و شرایط دشواری دارد مانند عدالت و ایمان شاهد که باید احراز شود اما عدالت به عنوان دلیل تکمیلی ممکن است بدون سوگند و عدالت شاهد نیز برای مزید اطلاع، مورد استفاده قرار گیرد. خردهای فراوانی بر قانونگذار اسلامی گرفته شده است که چرا بر خلاف سایر مکاتب حقوقی تا این حد به شهادت، اعتبار داده است به گونه‌ای که شهادت ممکن است سند رسمی را ابطال کند و دعاوی مهمی با این دلیل به اثبات برسد. کسانی که این خرده‌ها را گرفته‌اند از تفاوت میان این دو نوع شهادت غافل شده و به شرایط سختی که برای شاهد، در نظر گرفته شده است توجهی ندارند و گرنه در حقوق اسلام نیز موارد اثبات با شهادت شهود بسیار محدود است و از نظام‌های عرفی نیز کمتر است زیرا شاهدی که عدالت داشته باشد یافت نمی‌شود. به هر حال نحوهٔ استناد به شهادت در این دو مورد دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی است، همانگونه که اثبات مدنی و کیفری نیز تفاوت‌هایی یکدیگر دارند (زراعت، ۱۳۹۳، ص ۳۳۵-۳۳۴).

در قرآن مجید هم در آیه ۱۳۵ سوره مبارکه نساء در مورد تشویق آحاد مردم به اداء شهادت تاکید نموده است که: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در همه امورتان با کمال و دوام قیام کننده به عدل و شهادت دهنده برای خدا باشید، هر چند به زیان خود، پدر، مادر یا نزدیکانتان باشد. . . همچنین در روایتی از پیامبر اکرم (ص) بیان شده است که: «سخن گواهی دهنده به دروغ نزد حاکم تمام نمی‌شود مگر اینکه جایش در جهنم مهیا و ساخته می‌شود. همین طور کسی که گواهی راستی را پنهان کند. » با توجه به آیات و روایات عنوان شده به این نتیجه دست پیدا می‌نماییم که تکلیف مسلمانان به اداء شهادت محرز و قطعی است و امری ضروری و مهم قلمداد می‌شود و به نظر می‌رسد که قانون می‌باید سازوکارهای حمایتی قوی در جهت حمایت از شاهدان اعمال کند تا شاهدان و مطلعان از بیان شهادت امتناع نکنند و اگر این جنبه‌های حمایتی بر شاهدان و مطلعان اعمال شود خود جنبهٔ تشویقی برای شاهدان، و مطلعان یک پرونده دارد تا بتوانند بدونه ترس و با احساس امنیت به بیان شهادت بپردازند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

مبانی و ضرورت حمایت از شهود و مطلعان

شهود را می‌توان به چهار گروه عمده تقسیم کرد، الف: شاهد، مخبر: افرادی هستند که با نیروی پلیس همکاری می‌کنند. مخبران به دو گروه افراد پلیس و شهروندان تقسیم می‌شوند. شهروندان نیز یا دارای ارتباط رسمی ثبت شده با پلیس هستند و یا فاقد چنین ارتباطی هستند. البته برخی بین مخبر و نفوذی تفاوت قائل شده و معتقدند که مخبر شهروندانی هستند که با پلیس همکاری می‌کنند و نفوذی کسانی هستند که دارای رابطه استخدامی با پلیس بوده و به گروه‌ها و شبکه‌های مجرمانه نفوذ می‌کنند. (بیابانی، ۱۳۸۹، ۱۴۰).

ب: شاهد، بزه‌دیده: هرچند اکثر افراد بزه‌دیده همزمان شاهد جرم هستند، اما این وضعیت بیشتر در پرونده‌های تجاوز جنسی، توسط دادگاه‌های بین المللی پذیرفته شده است که فرد قربانی می‌تواند شاهد جرم نیز باشد و در بسیاری موارد، تنها شاهد جرم است. در دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا اثری از این اصل رومی- ژرمنی وجودندارد که «شاهد واحد، شاهد محسوب نمی‌شود. شعبه دوم بدوی دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده تادیچ چنین استدلال می‌کند است ونه شایسته است و نه صحیح که معتقد شویم یک شاهد صرفاً به این دلیل که خود قربانی جرم واقع شده است. . . ذاتاً غیر قابل اعتماد تلقی می‌شود»(کیتی شیایزری، ۱۳۸۳، ص ۵۶۰). اینجاست که حمایت از فرد مضاعف می‌شود و ممکن است فرد هم به عنوان بزه‌دیده و هم به عنوان شاهد، مشمول حمایت شود.

ج: شاهد - بزهکار: این افراد که از آنان با عناوینی چون بزه‌کاران همکار، شهود هماهنگ کننده، اشخاصی که با قانون همکاری می‌کنند، شهود دولتی، نادمین و توبه کنندگان نیز یاد می‌شود، خود در یک اقدام مجرمانه نقش داشته‌اند و بنا به دلایلی که اغلب انتظاردریافت مصونیت یا تخفیف در مجازات برای خود یا خانواده‌شان است، با دستگاه عدالت حق اساسی همکاری می‌کنند. در اینجا مسئله‌ای که وجود دارد و قابل بحث است، مسئله حق اساسی متهم در مورد مصونیت از خود اتهامی است (مهدوی پور، ۱۳۸۴، ص ۲۰).

دلیل این مصونیت به خاطر تعارض خواسته‌هایی است که به واسطه آن شاهد از یک طرف مجبور است حقیقت را بگوید و از طرف دیگر نمی‌تواند خود را متهم کند. د: شاهد- مطلع: شاهدی که در پرونده بی طرف است. این شاهد، فردی است که به صورت اتفاقی در جریان جرم قرار گرفته و اطلاعاتی در مورد آن دارد. این مفهوم دربردارنده دامنه گسترده‌ای از مفهوم شاهد، اعم از بینه شرعی، شاهد تحقیق و مطلع است، به گونه‌ای که با تعریفی موسع، می‌توان کارگزارن عدالت اعم از قضات، وکلا، کارشناسان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده را نیز در این دسته جای داد (کاظمی و طهماسبی، ۱۳۹۰، ص ۳۳).

حمایت از شهود در جرائم سازمان یافته، برای اولین بار در ایالات متحده آمریکا و در دهه ۱۹۷۰ اجرا شد. قانون کنترل جرائم سازمان یافته به دادستان کل ایالات متحده اختیار داد تا امنیت شهودی را که حاضر بودند در پرونده‌های جرائم سازمان یافته و سایر اشکال جرائم شدید صادقانه شهادت دهند تأمین نماید. این برنامه شامل مواردی مانند انتقال شاهد به محلی جدید و مخفی، سکونت با نام متفاوت و هویت جدید و تأمین امنیت جانی شاهد در معرض خطر بود. پس از این کشور، کشورهای زیاد دیگری برنامه‌های حمایت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

از شهود را در دستور، کار قرار دادند که از جمله می‌توان به استرالیا (قانون حمایت از شهود مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۹۴) اتریش (قانون مورخ ۱۹ اوت ۱۹۹۷)، کانادا (قانون برنامه حمایت از شهود ۱۹۹۶)، کلمبیا (قانون مورخ ۱۹۹۷)، آلمان (قانون هماهنگ سازی حمایت از شهود در خطر، مورخ ۱۱ دسامبر ۲۰۰۱)، گواتمالا (قانون حمایت از شرکت کنندگان در محاکمه و اشخاص دست اندر کار امور اداری دادرسی کیفری، ۱۹۹۶)، اندونزی (قانون حمایت از شهود و قربانیان، ۲۰۰۲)، ایتالیا (قانون حمایت از شهود و اشخاصی که با قانون همکاری می‌کنند، مورخ ۱۵ مارس ۱۹۹۱) جامایکا (قانون حمایت از عدالت، ۲۰۰۱)، لتونی (قانون حمایت ویژه از اشخاص، ۲۰۰۵) اسلواکی (قانون حمایت از شهود مورخ ۸ ژوییه ۱۹۹۸) و آفریقای جنوبی (قانون حمایت از شهود مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۹۸) اشاره کرد (کاظمی و طهماسبی، ۱۳۹۰، ص ۳۱).

با توجه به گسترش جرائم سازمان یافته و امنیتی و نقش شهادت در کشف و تعقیب و مقابله با این جرائم، در دهه‌های اخیر راهکارهای حمایت از شهود دچار تحول اساسی شده است. به گونه‌ای که ضرورت و تنوع تدابیر و اقدامات حمایت از شهود در اسناد لازم الاجرای بین المللی رسوخ پیدا نموده و به تعهد بین المللی دولت‌های پذیرنده این اسناد تبدیل شده است. کنوانسیون مقابله با فساد (۲۰۰۳) و کنوانسیون جرائم سازمان یافته فراملی (۲۰۰۰) به عنوان دو سند هم بین المللی برای مقابله با جرائم فراملی و اساسنامه دادگاه‌های بین المللی کیفری از جمله این اسناد بین المللی محسوب می‌شوند. بند (۱) کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل (۲۰۰۳) مقرر داشته است: «هر کشور عضو براساس نظام حقوقی داخلی خود و در چهارچوب امکانات مربوط، اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهد نمود تا از شهود و کارشناسانی که در خصوص جرائم احراز شده براساس این کنوانسیون شهادت می‌دهند و در صورت اقتضاء اقارب و سایر اشخاص نزدیک به آن‌ها در مقابل تلافی یا تعدید بالقوه، حمایت به عمل آورد» به موجب این ماده کشورهای عضو مکلف هستند زیر ساخت‌های تقنینی و اجرایی لازم را برای برنامه‌های حمایت از شهود ایجاد نمایند. اقداماتی که به عنوان برنامه‌های حمایت از شهود در این ماده از کنوانسیون مورد توجه قرار گرفته است عبارتند از: حمایت فیزیکی از شاهد از جمله جابجایی آن‌ها، عدم افشاء یا محدودیت افشاء اطلاعات مربوط به هویت و محل زندگی آنان، تغییر شیوه اداء شهادت مثل امکان شهادت از طریق استفاده از فن آوری اطلاعات همانند ویدئو کنفرانس و سایر وسایل مناسب دیگر. (طهماسبی، ۱۳۹۴، صص ۶۳-۶۲).

شهادت شهود از جمله ارکان اساسی در تحقیقات کیفری به شمار می‌رود زیرا در بسیاری از موارد کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه بدون معاضدت کسانی که خود در صفحه وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطالبی را شنیده‌اند میسر نیست. به همین دلیل از شهود به چشم و گوش دستگاه عدالت کیفری تعبیر شده است (آشوری، ۱۳۸۵، صص ۱۱۳-۲).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

این امر میسر نمی‌گردد مگر به شاهد اطمینان خاطر داده شود که در مقابل تهدیدات و صدماتی که ممکن است به لحاظ تحمل و ادای شهادت به وی وارد می‌گردد، حمایت و پشتیبانی خواهد شد. با وجود این حمایت‌ها است که میل و رغبت شهود جهت همکاری با دستگاه‌های پلیسی – قضایی تقویت می‌گردد و نهایتاً کمک قابل توجهی به حفظ حاکمیت قانون در جامعه به عمل می‌آید (مؤذن زادگان و رئوفیان نائینی، ۱۳۹۰، ص ۵۶).

از دیگر اقدامات تحقیقی که می‌تواند نقش بسزایی در کشف حقیقت ایفاء کند گواهی شهود و اظهارات مطلعان است. فرق شاهد با مطلع در این است که مطلع شرایطی را که قانونگذار در ماده ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ برای شاهد برشمرده است ندارد. فارغ از مباحث مربوط به ادله اثبات کیفری که شهادت با رعایت نصاب قانونی، اثبات کننده جرم خواهد بود، مرجع تحقیق در احضار و تحقیق از شهود و مطلعان با وظایف و اختیاراتی مواجه است از جمله احضار شهود و مطلعان مطابق قانون، در صورتی که مرجع تحقیق به تشخیص خود یا با معرفی شاکی یا به تقاضای متهم یا حسب اعلام مقامات ذی ربط حضور یا تحقیق از شهود و مطلعان را ضروری بداند، بدواً مطابق مقررات اقدام به احضار می‌کند. در صورتی که شاهد یا مطلع از نیروهای مسلح باشد، باید حداقل بیست و چهار ساعت پیش از تحقیق یا جلسه محاکمه از طریق فرمانده ا رئیس او دعوت شود (الهی منش و رحیمی، ۱۳۹۴، ص ۳۶۵).

با توجه به مطالب عنوان شده شهادت شهود از جمله ارکان اساسی در تحقیقات کیفری به شمار می‌رود زیرا در بسیاری از موارد کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه بدون معاضدت کسانی که خود در صفحه وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطالبی را شنیده‌اند میسر نیست. در مقابل تهدیدات و صدماتی که ممکن است به لحاظ تحمل و ادای شهادت به وی وارد می‌گردد، حمایت و پشتیبانی خواهد شد. با وجود این حمایت‌ها است که میل و رغبت شهود جهت همکاری با دستگاه‌های پلیسی – قضایی تقویت می‌گردد و نهایتاً کمک قابل توجهی به حفظ حاکمیت قانون در جامعه به عمل می‌آید.

برنامه‌های حمایت از شهود و مطلعان

پس از وقوع جرم و کشف آن، اثبات جرم در فرآیند دادرسی کیفری از طریق ادله گوناگون به منظور احراز حقیقت و اقناع وجدانی دادرس و در نهایت صدور رأی دنبال می‌شود. با وجود این، احتمال مخدوش یا مجعول بودن اسناد و مدارک، نادرست بودن علم قاضی و همچنین مشکل بودن اخذ اقرار، انکارپذیری آن از سوی متهم و ادعای توسل به شیوه‌های نامشروع و غیرقانونی دراخذ اقرار، ارزش اثباتی و قضایی این دلایل را مخدوش می‌کند. به همین دلیل در درازنای تاریخ، شهادت شهود، شالوده و اساس موفقیت تحقیقات و تعقیب قانونی مجرمان بوده است و هنوز در میان سایر دلایل اعم از سنتی و نوین، جزء قابل اتکاترین ادله شناخته می‌شود. در واقع شهادت از قدیمی‌ترین شیوه‌های مشارکت شهروندان در اجرای

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

عدالت و حاکمیت قانون بوده و بیان دیده‌ها، شنیده‌ها یا سایر آگاهی‌های افراد می‌تواند کارگزاران عدالت را در دستیابی به حقیقت یاری کند. این موضوع باعث اهمیت یافتن بیش از پیش همکاری شهروندان در فرآیند دادرسی شده و در بیشتر موارد عدم مشارکت آنها این فرآیند را با مشکلات فراوان مواجه خواهد ساخت (کاظمی و طهماسبی، ۱۳۹۰، ص ۲۴).

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای حمایت از شهود و مطلعان برنامه‌های مقرر نموده‌اند از جمله: عدم مواجهه حضوری بین شاهد و مطلع با شاکی یا متهم، عدم افشای اطلاعات هویت یا مسکن شاهدان و مطلعان، کاربرد فن آوری اطلاعات در استماع شهادت و کسب اطلاع، حمایت از شاهد در برابر تهدید یا خطرات احتمالی، تأمین هزینه و پرداخت ضرر و زیان، نحوهٔ تحقیق از شهود و مطلعان، تحقیق جداگانه و بدونه حضورمتهم، غیر علنی بودن تحقیق از شهود و مطلعان، ممنوعیت تفهیم اتهام به شاهدان یا مطلعان، احضار و تحقیق از شهود و مطلعین و حمایت از خانواده متهم بیان نمود که در ادامه به بررسی و تحلیل هر کدام به صورت جداگانه می‌پردازیم.

حمایت از خانواده متهم

فردی که توسط پلیس دستگیر می‌شود در جهت رعایت حقوق متهم و خانوادهٔ او باید اجازه داشته باشند با خانواده‌اش تماس گرفته و موضوع را به آنها اطلاع دهد، توجه داشته باشید که متهم مجرم نیست و نباید حقوق وی پایمال شود. در قانون جدید آیین دادرسی برای متهمی که تحت نظر و تحقیقات مقدماتی قرار دارد حق وکیل در نظر گرفته شده است.

ضرورت کاستن از اضطراب و دل نگرانی‌های اعضای خانواده افراد بازداشت شده و پیامدها و مخاطرات ناشی از عدم اطلاع آنان از دستگیری و محل نگهداری متهمان بازداشت شده، موجب شده است برخی از اسناد بین المللی مانند «اصول حمایت از افراد تحت هرگونه بازداشت یا زندان» و «قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان» و همچنین برخی از نظام‌های دادرسی کیفری مانند انگلستان و فرانسه، حق متهم نسبت به مطلع ساختن اعضای خانواده یاخویشاوندان را به رسمیت بشناسند. مطلع ساختن اعضای خانواده و دوستان متهم نسبت به بازداشت وی، این فرصت را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد تا تمهیدات لازم برای برخورداری متهم از حقوق قانونی خود مانند: تعیین وکیل مدافع، معرفی کفیل یا سپردن وثیقه‌های لازم را فراهم آورند. همچنین، الزام نهادهای عدالت کیفری نسبت به اعلام بازداشت متهم و محل نگهداری وی به اعضای خانواده، موجب کاهش موارد بازداشت‌های غیر قانونی و خودسرانه می‌شود (فرجی‌ها و مقدسی، ۱۳۹۰، ص ۱۹).

در ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد حمایت از خانواده متهم مقرر می‌نماید که بازپرس، به منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند (سلیمی و بخشی زاده اهری، ۱۳۹۳).

لازم به ذکر است که حق بهرمندی از تأمین امنیت شامل حمایت از شهود و خانواده متهم نیز می‌گردد. به طوری که تا آنجا که امکان دارد از رویارویی بزه‌دیده یا گواهان او با متهم جلوگیری کرده بلکه، افزون بر آن باید تدابیرهایی برای پیشگیری از تهدیدها یا انتقام جویی‌های متهم یا خانواده دوستان او بکار بست (ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۶۹).

اقدامات حمایتی می‌تواند اقداماتی نظر منع ملاقات متهم یا بستگان او با بزه‌دیده، شاهد، مطلع و اعلام کننده جرم، یا همراهی اشخاص فوق توسط ضابطین در هنگام مراجعه به دادسرا یا حتی پیش بینی موقت محافظ شخصی باشد. با توجه به ملاک ماده ۶۲ و همچنین حکم مقرر در ماده ۵۶۰، تحمیل هزینه‌های این اقدامات بر فرد مورد حمایت ممنوع است (خالقی، ۱۳۹۴، صص ۱۲۵-۱۲۱).

در اسناد بین المللی و منطقه‌ای مختلف نیز از یک سو توصیه به حمایت و جبران خسارت این بزه دیدگان گردیده و از سوی دیگر جهت جلوگیری از بزه‌دیده شدن شهود یا بزه‌دیده شدن مجدد قربانیان جرم اولیه توصیه به حمایت کیفری از شهود و بزه دیدگان نموده‌اند. به عنوان مثال در کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته ملی ۲۰۰۳ (معروف به کنوانسیون پالرمو) بزه دیدگان از سه بعد مورد حمایت واقع شده‌اند، این حمایت‌ها عبارتند از: الف- جبران خسارت ناشی از جرم ب- تعقیب کیفری و مجازات مجرم ج- تأمین امنیت شاکی از تعرضات مجرم یا همدستان یا نزدیکان وی. در همین راستا این کنوانسیون به جرم انگاری تهدید علیه شهود پرداخته است (یکرنگی، ۱۳۹۱، ص ۸۲).

در بند یک ماده ۳۲ آن اعلام می‌نماید: هر کشور عضو، براساس نظام حقوقی داخلی خود و در چارچوب امکانات خود اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهد نمود تا از شهود و کارشناسی که در خصوص جرائم احراز شده و براساس این کنوانسیون شهادت می‌دهند و در صورت اقتضاء اقارب و سایر اشخاص نزدیک به آن‌ها در مقابل تلافی، حمایت مؤثر به عمل آورد. بنابراین جرم انگاری دخالت در شهود و تهدید شهود بزه‌دیده و سایر اشخاص نزدیک به آن‌ها و در واقع حمایت کیفری از آنان، اکنون یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی است (دانش نیا و اقبالی، ۱۳۹۴، ص ۸۴).

بنابراین به نظر می‌رسد قانون آیین دادرسی کیفری در مورد حمایت از خانواده متهم مقرر می‌نماید که بازپرس، به منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند.

با توجه به بررسی‌های انجام شده در این فصل می‌توان این چنین عنوان نمود که در قانون آیین دادرسی کیفری برای حمایت از شهود و مطلعان برنامه‌های حمایتی از جمله: عدم مواجهه حضوری بین شاهد و مطلع با شاکی یا متهم، عدم افشای اطلاعات هویت یا مسکن شاهدان و مطلعان، کاربرد فن آوری اطلاعات

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

در استماع شهادت و کسب اطلاع، حمایت از شاهد در برابر تهدید یا خطرات احتمالی، تأمین هزینه و پرداخت ضرر و زیان، نحوهٔ تحقیق از شهود و مطلعان، تحقیق جداگانه و بدونه حضورمتهم، غیر علنی بودن تحقیق از شهود و مطلعان، ممنوعیت تفهیم اتهام به شاهدان یا مطلعان، احضار و تحقیق از شهود و مطلعین و حمایت از خانواده متهم پیش بینی نموده است.

نتیجه گیری

در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، بزه‌دیده فراتر از شاهد عمل می‌کند و حتی می‌توان گفت که چون قوانین کیفری ایران ریشه در دستورات شرع مقدس اسلام دارند در جرائم حق الناس، بزه‌دیده تصمیم گیرندهٔ اصلی است. در این جرائم بزه‌دیده نقش شروع کنندهٔ دعوی را بر عهده دارد و اگر دعوی را شروع نکند، الزامی به تعقیب از طرف حکومت نیست و چنانچه گذشت کند تعقیب متوقف می‌شود. با توجه به مباحث عنوان شده در این پژوهش می‌توان این چنین نتیجه گیری نمود که امروزه حمایت از حقوق بزه‌دیده به طور مستقیم در ردیف حمایت از جامعه و متهم به عنوان یکی دیگر از اهداف اصلی آیین دادرسی کیفری مطرح می‌باشد و در اکثر موارد بزه دیدگان از چگونگی روند پرونده و یا حقوق خود در پروسه رسیدگی، آگاهی ندارند؛ بنابراین، این وظیفه بر عهده نهاد عدالت قضایی است که بزه دیدگان را از روند پرونده و حقوقشان در فرآیند رسیدگی، مطلع کند. جبران ضرر و زیان مادی و معنوی یکی دیگر از جنبه‌های حمایتی در مورد بزه‌دیده است که برای احقاق حق بزه‌دیده، تصریح به امکان پرداخت ضرر و زیان معنوی و تعریف این ضرر و زیان در تبصره ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد.

با توجه به بررسی‌های انجام شده این فرضیه هم مورد تأیید قرار گرفت و می‌توان این چنین عنوان نمود که تفهیم حقوق به بزه دیدگان ایجاد تسهیلات لازم در زمینه طرح شکایت و پذیرش مشارکت فعال در جریان رسیدگی‌ها، حفظ هویت اجتماعی و امنیت، مشاوره حقوقی و معاضدت قضایی، وآگاهی دادن به بزه دیدگان در خصوص احقاق حق خودشان و یاری نمودن بزه دیدگان جرم. . . از جمله حمایت‌های قانونگذار از بزه دیدگان است.

پس از بررسی‌های انجام شده فرضیه دوم هم مورد تأیید قرار گرفت و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ توانسته است حقوق بزه‌دیده را در فرآیند دادرسی با توجه به معیارهای حقوق شهروندی تأمین کند و نسبت به قوانین سابق جایگاه بهتری به دست بیاورد. تفهیم حقوق ایجاد تسهیلات لازم در زمینه طرح شکایت و پذیرش مشارکت فعال در جریان رسیدگی‌ها، حفظ هویت اجتماعی و امنیت و جبران خسارت مادی و معنوی بزه‌دیده، حمایت سازمان‌های مردم نهاد از بزه دیدگان خاص (زنان و کودکان)، حمایت از بزه‌دیده ناتوان، حمایت از بزه‌دیده محجور و فاقد سرپرست، حمایت از بزه‌دیده در مواقع امتناع سرپرست قانونی از طرح شکایت و یا در برابر تهدیدات، حمایت از بزه دیدگان که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی یا ناشنوا، جلوگیری از افشاء اطلاعات بزه دیدگان، ارائه خدمات و آگاهی بخشی به بزه دیدگان،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

ایجاد ضابطان خاص برای اطفال و زنان بزه‌دیده، ایجاد واحد مددکاری اجتماعی، تسهیل در اخذ شکایت را پیش بینی نموده است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده این فرضیه هم مورد تأیید قرار گرفت و در قانون آیین دادرسی کیفری برای حمایت از شهود و مطلعان برنامه‌های حمایتی از جمله: عدم مواجهه حضوری بین شاهد و مطلع با شاکی یا متهم، عدم افشای اطلاعات هویت یا مسکن شاهدان و مطلعان، کاربرد فن آوری اطلاعات در استماع شهادت و کسب اطلاع، حمایت از شاهد در برابر تهدید یا خطرات احتمالی، تأمین هزینه و پرداخت ضرر و زیان، نحوهٔ تحقیق از شهود و مطلعان، تحقیق جداگانه و بدونه حضورمتهم، غیر علنی بودن تحقیق از شهود و مطلعان، ممنوعیت تفهیم اتهام به شاهدان یا مطلعان، احضار و تحقیق از شهود و مطلعین و حمایت از خانواده متهم پیش بینی نموده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ ابراهیمی، پ، ۱۳۸۶، بزه‌دیده به منزله شاکی و حقوقی او در مقررات دادرسی ایران، مجله دادگستری، سال ۶۹، پاییز و زمستان، شاره ۵۳-۵۲.

ـ آشوری، م، ۱۳۹۴. آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.

ـ آشوری، م، ۱۳۸۵، آیین دادرسی کیفری، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.

ـ آخوندی، م، ۱۳۷۲، آیین دادرسی کیفری، چاپ پنجم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ـ امینی, ز، ۱۳۹۴، حق اطلاع رسانی و تأمین خسارات بزه دیدگان در فرآیند تحقیقات مقدماتی (درپرتو قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد، مراغه، انجمن حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.

ـ الهی منش، م، رحیمی، م، ۱۳۹۴، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران: انتشارات مجد.

انوری، ح، ۱۳۸۱، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن.

ـ باقری نژاد، ز، ۱۳۸۸، رویگرد حمایتی به شهود در قوانین کیفری ایران و فرانسه، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۳، شماره ۶۷ پایز، ص ۸۹-۱۱.

ـ بیابانی، غلامحسین، ۱۳۸۹، جرائم سازمان یافته تهدیدی برای امنیت جهانی، فصلنامه پلیس بین الملل، سال اول، شماره ۱، صص ۱۳۱ تا ۱۴۱.

ـ بوئر، آلن وروفر، اگزویه، ۱۳۸۲، آموزش کارکنان و تخصصی شدن پلیس، ، خشونت و نامنی شهری ترجمه محمدرضا گودرزی، بروجردی، ج نخست، تهران: انتشارات مجد.

پورحسینی، م. عبدالهی. س، سفیدی س، ۱۳۹۲، نقش ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، سایت حقوقی دادگستر.

ـ تدین، ع، ۱۳۸۹، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تهران: معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه.

ـ جعفری لنگرودی، م، ۱۳۷۴، ترمینولوژی حقوق، چاپ هفتم، تهران: چاپ احمدی، کتابخانه گنج دانش.

ـ سایت خبرگزاری مشرق.

ـ خالقی، ع، ۱۳۹۴، نکته‌ها درقانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش.

ـ خالقی، علی، ۱۳۸۸، آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش.

ـ دانش نیا، ر، اقبالی، م، ۱۳۹۴، حمایت‌های کیفی از بزه‌دیده و شهود در قانون آیین دادرس کیفری ۷۸ و ۹۲، مجله مدرسه حقوق، مهرماه شماره ۹۵، ص ۸۲-۹۵.

ـ رهامی، م (۱۳۸۳) جرائم بدون بزه‌دیده، تهران انتشارات میزان.

ـ رایججیان. ، مهرداد، ۱۳۸۱، بزه‌دیده در فرآیند کیفری، چاپ اول، تهران: انتشارات خط سوم.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

ـ زهر، هوارد، کتاب کوچک عدالت ترمیمی (۱۳۸۳)، ترجمه دکتر حسین غلامی، انتشارات مجد، جلد اول.

ـ زمانی، م (۱۳۹۳) وکالت در اسناد حقوق بین الملل بشر و نظام حقوقی ایران، موسسه حقوقی و بین المللی زمانی و مدرسه مجازی حقوق، (دوره‌های آموزشی تخصصی حقوق بشر).

ـ زراعت، ع، ۱۳۹۳، آیین دادرسی کیفری، جلد ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

ـ زراعت، ع، شیخی جوکندان، ش، ۱۳۹۲، رویکرد حمایتی قانون آیین کیفری نسبت به بزه دیدگان ناتوان (نابینایان)، دانشگاه کاشان، سایت حقوقی.

ـ زکوی, م، ۱۳۹۱، حمایت کیفری ازناتوانان بزه‌دیده دراسناد بین المللی و حقوق داخلی، نخستین همایش ملی فلسفه حقوق با تاکید بر فلسفه حقوق اسلامی، رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز.

ـ زهر، هوارد، ۱۳۸۳، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، جلد اول، ترجمه دکتر حسین غلامی، تهران: انتشارات مجد.

ـ سلیمی. ص، ا. بخشی زاده اهری. ا، ۱۳۹۳، تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین سابق، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.

ـ شیایزری گ، کریانگ ساک (۱۳۸۳)، حقوق بین المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: انتشارات سمت.

ـ طهماسبی، ج. ۱۳۹۴، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

ـ فریجیها، م، اقبالی، م، ۱۳۹۰، حق متهم برای مطلع ساختن اعضای خانواده خود نسبت به دستگیری و محل بازداشت، مجله کارآگاه، سال چهارم، دوره دوم، پاییز ۹۰، شماره ۱۶.

ـ عزیزالهی, م و امینی، ز، ۱۳۹۴، تأمین امنیت بزه دیدگان در فرآیند تحقیقات مقدماتی (در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد، مراغه، انجمن حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.

ـ غلامی، حسین، ۱۳۸۵، عدالت ترمیمی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

ـ قانون یار، ۱۳۹۴، آیین دادرسی کیفری، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات چتر دانش.

ـ مارتین رایت، تونی مارشال، مایکل مایز، ۱۳۸۴، ، چاپ ۱، تهران: انتشارات خلیلیان.

ـ مجیدی، ب، ۱۳۹۰، میانجیگری جلوه‌ای نوین از عدالت کیفری، دانشگاه مفید قم، ناشر: پایگاه حقوقی، حق گستر.

ـ نجفی ابرندآبادی، ع، ۱۳۸۱، ازحقوق کیفری بزه‌دیده مدار تا عدالت ترمیمی {دیباچه} درمهرداد رایجیان اصلی، بزه‌دیده در فرآیند کیفری، تهران، نشرخط سوم.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

ـ ناصری، ن و باقری، پ، ۱۳۹۴، تمهیدات قضایی از حقوق زنان و اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد، مراغه، انجمن حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.

ـ عمید، ح، فرهنگ فارسی عمید، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۹، موسسه انتشارات امیر کبیر تهران.

ـ عبدالفاتح، ع، ۱۳۸۷، بزه شناسی و بزه‌دیده شناسی، ترجمه اسماعیل رحیمی نژاد، نامه مفید، شماره ۱۸.

ـ کاظمی، ع، طهماسبی، ج، ۱۳۹۰، حمایت از شهود در لایحهٔ آیین دادرسی کیفری، مجله کارآگاه، سال چهارم، دوره دوم، پاییز ۹۰، شماره ۱۵.

ـ مهدوی پور، ا، (۱۳۸۴)، حمایت از شهود در اسناد بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید قم.

ـ مؤذن زادگان، ح، رئوفیان نائینی، ح، ۱۳۹۰، حمایت از امنیت شهود در فرآیند دادرسی کیفری، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی با دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، سال شانزدهم، شماره ۵۶.

ـ مارتین رایت، عدالت ترمیمی، ارتقاء بخشیدن رویکرد بزه‌دیده محوری (مجموعه مقالات)، ترجمه امیر سماواتی پیروز، انتشارات خلیلیان، چاپ اول ۱۳۸۴. ، ص ۲۵.

ـ مارتین رایت، تونی مارشال، مایکل مایز، ۱۳۸۴، چاپ ۱، انتشارات خلیلیان.

ـ میرمحمد صادقی، ح، ۱۳۸۸، جرائم علیه اشخاص، تهران، انتشارات میزان.

ـ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۷۳. تقریرات درس بزه‌دیده شناسی، ویراست پنجم. دانشگاه شهید بهشتی، ۷۴.

ـ یکرنگی، م، ۱۳۹۱، جرائم علیه اجرای عدالت قضایی (معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه مرکز مطالعات توسعه قضایی، تهران: انتشارات خرسندی.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]